

تفرقه بیانداز و حکومت کن



واشنگتن وبروکسل اعلام برسمیت شناختن سودان جنوبی را دادند

از: گئیرد شوومن

اکنون همه مطالب به عجله انجام میپذیرد. با اعلام نتایج رسمی انتخابات به روز دوشنبه- نظریه آن ۹۸،۸ درصد رأی دهنده گان در سودان جنوبی برای جدایی شان از جمهوری سودان تصمیم گرفتند- طوریکه واشنگتن وبروکسل اندکی بعد از انتخابات تأیید کردند. این " همه پرسی موفقیت آمیزویمانندی " بود که بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آنرا درجمله بهترینان بحساب آورد و بدینوسیله پلان بازیهی استراتژیک آینده را روشن ساخت.

چرا "موفقیت آمیز"؟ نظریه قرارداد همه جانبه صلح میان خرتوم و جووبا در جنوری سال ۲۰۰۵ بایستی همه شرکت کننده گان، از جمله نیروهای ملل متحد و سازمانهای غیردولتی بخاطر حفظ وحدت و یکپارچه گی کشور از همه امکانات استفاده کنند. چرا "بیمانند"؟ در راه پایان بخشیدن به استعمار درین قاره که از نیمه قرن گذشته آغاز یافت، عدم تغییر سرحدات

موجوده بمتابه قانون بدون تفسیر پذیرفته شده بود. این مطلب خود- با در نظر داشت مسائل اتنیکی و سیاسی از نگاه قدرت- جدایی (تجزیه) را تشدید میبخشد.

نماینده اتحادیه اروپا در امور خارجی کاترین اشتون نیز بلافاصله از یک "دولت جدید" سخن گفت و "کمکهای اروپا" رابه آن وعده داد. نامگذاری کوسووو یکی از ولایات سربستان را به صفت دولت مستقل بیاد بیاوریم. وریشه های تاریخی آنرا: تجزیه کشور کثیرالملیه یوگوسلاویا بعد از سال ۱۹۹۰، بدون سمتدهی غرب به رهبری جمهوری فدرال آلمان و واتیکان، بعداً سهمگیری ایالات متحده امریکا وناتو، غیر ممکن بود. تعمیل جنگ در مصافهای خروات و بوسنیا با بکار بستن سلاحهای ارسال شده غرب تحقق یافت. بمباردمان بلغراد وبخشهای دیگر یوگوسلاویا را بعداً پیمان اتلانتیک شمالی خود عهده دار شد و روی مخروبه های آن جمهوری کوسووو را طی یک همه پرسی ایجاد کرد.

موضوع در سودان جنوبی به منوال آنجا روی قضیه "عدالت ودموکراسی" نمی چرخد، طوریکه اوباما وهمنظرانش میخواهند همه پرسی در سودان جنوبی را به بیراهه بکشاند، بلکه موضوع روی مسائل جیواستراتژیک میچرخد. تنبیه سربستان برای تسلط غربیها در بالقان از یکجانب و نمایش قدرت به کشورهای جنوب اروپا وپیکنگ از جانب دیگر شرایط آن بازیها بود. اما باایجاد یک دولت جدید در افریقای شمالی مسأله روی دسترسی به نفت رابطه میگیرد- در سائر مناطق این قاره نیز هدف ثروتهای زیرزمینی است. در هر حال پلان چنین استکه یا مسلط بود ویا اینکه سرزمینهای از دست رفته را دوباره بدست آورد.

حال نوبت افریقا است. با گذشت اضافه تر از یک دهه از تجزیه یوگوسلاویا و جنگ کوسووو باز هم سرحدات جدیدی مشخص میگردند. وضع مستولی وفلاکتبار اجتماعی وهمچنان ورود مجدد ولی محتاطانه تسلط نواستعماری که بوسیله صندوق پولی بین المللی، ایالات متحده امریکا ویا اتحادیه اروپا در چهارچوبه تعمیل مالکیت خصوصی و خواسته های گلوبالیزم با از بین رفتن ممانعت های گمرکی دیده میشود، تفرقه بیانداز وحکومت کن را تشدید می بخشد.

در سودان جنوبی که نظربه اطلاعات دقیق اکنون به تاریخ ۹ جولای استقلال خود را اعلام میدارد، هنوز تشکیل دولت تکامل نیافته است. اردوی جدید (اردوی آزادیبخش مردم سودان) اس. پی. ال. ای. وهمچنان پولیس آینده تحت نظر متخصصین غربی در حال شکل است. سپردن پستها درسیستم اداره از جانب حکومت تک حزبی (جنبش آزادیبخش مردم سودان) اس. پی. ال. ام. صورت میپذیرد. اینکه درزمینه صادرات نفت کدام تغییر در انفراستروکتور خط

امتداد پایپلاین از طریق خرتوم و پورت سودان رونما خواهد گردید، هنوز نامعلوم است. به همین ترتیب تثبیت خط سرحدی میان شمال و جنوب و مسأله برخورد با قرضداری ۳۰ میلیارد یورو مربوط به جمهوری سابق سودان لاینحل است.

یکی ازین مطالب را وزیر خارجه هیلیری کلینتون بروز شنبه روشن ساخت: همکار دست اول ایالات متحده آمریکا همانا سودان جنوبی خواهد بود. وی برای خرتوم- چرا برای جووبا، نی؟- مدت شش ماه ضرب الاجل تعیین کرد تا مفاد قرارداد صلح سال ۲۰۰۵ را عملی سازد. و این بدان معنی استکه: آخرین دیکته از جانب (جنبش آزادیبخش مردم سودان) اس. پی. ال. ام. صورت میپذیرد- آنهم در مورد مسائلی چون نفت، تثبیت سرحد و توزیع درآمد. هرگاهی بخش متباقی سودان به تعمیل خواسته ها قادر نگردید بازهم بحیث دولت "عاطل"* باقی میماند طوریکه واشنگتن آنرا در سال ۱۹۹۳ اعلام کرده بود.

در انتها موضعگیری چینیها نیز درخور تشویش است. نطق وزارت خارجه چین لانگ لی اعلام داشت که پیکینگ خواسته ها وانتخاب مردم جنوب سودان را احترام میگذارد. توقع داریم که همه مسائل هنوز حل نشده میان هردو جانب « از طریق تفاهم و مذاکره دوجانبه حل گردد ».

* این اصطلاح از جانب جورج بووش رئیس جمهور امریکا مورد استفاده قرار گرفته وبه آن دولت هایی اطلاق میشود که از نظر قوای بشری و ثروتهای طبیعی همان امکاناتی را دارند که ایالات متحده آمریکا آنرا به اندازه کافی بدسترس ندارد. میتوان از نفت، مواد سوخت اتمی، مواد مخدر و سربازان بی مغز که هر کاریرا بوسیله شان انجام داد، یادآورشده.